

بازخوانی اندیشه‌های کلامی اصحاب سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام در مسئله امامت

فرزاد فولادی‌ونه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

چکیده

اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام از نظر اندیشه دینی درباره امامت و جایگاه حضرت علی علیه السلام یک‌دست نبودند؛ برخی از محققین، گروهی با عنوان «شیعیان سیاسی» را مطرح کرده‌اند که باورهای اعتقادی اصیل شیعی را نداشته و تنها در مسائل حکومتی تا حدی پیرو امام بوده‌اند. حال سؤال این است که مختصات اعتقادی اصحاب سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امامت چیست؟ پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که مطابق شواهد تاریخی برخی از اصحاب امام باور به نص در جانشینی، عصمت و علم مطلق امام ندارند و آنان امام را فقط به‌عنوان رهبری سیاسی و خلیفه مسلمان با بیعت و شورا پذیرفتند، گرچه مناقب و فضائل امام علیه السلام تا حدی مورد پذیرش آنان بود.

واژگان کلیدی: اصحاب سیاسی، شیعیان سیاسی، عصمت امام، علم امام، تنصیب، امام علی علیه السلام.

۱. دانش آموخته سطح ۲ کلام، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام، fooladifarzad576@gmail.com

مقدمه

با مطالعه کتب تاریخی و روایی با شخصیت‌های فراوانی مواجه می‌شویم که در دوران امام علی علیه السلام با آن حضرت بیعت کرده و در کنار ایشان حضور داشته و در جنگ‌های سه‌گانه جمل صفین و نهروان شرکت کرده‌اند، ولی با این همه، دارای افکار و اندیشه‌های مختلفی بوده‌اند.

برخی آن حضرت را جانشین بلا فصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و دارای علم بی‌حد و حصر و مقام عصمت می‌دانستند و از این رو تسلیم اوامر و نواهی ایشان بودند. افراد دیگری در مقابل این گروه قرار داشتند و چنین باورهایی درباره آن حضرت نداشتند ولی به فضائل و مناقب ایشان معتقد بودند و آن را نقل می‌کردند.

دکتر رسول جعفریان در کتاب «تاریخ تشیع در ایران» در تقسیم‌بندی اصحاب به این نکته پرداخته است و از این گروه تعبیر به «شیعه سیاسی» می‌کند و بیان می‌دارد که آنان رهبری سیاسی امام علی علیه السلام را پذیرفته و با آن حضرت بیعت کردند و در جنگ‌های او حضور داشتند تا بتوانند به رهبری ایشان با ظلم و ستم مبارزه کنند. در کنار این دو گروه افراد دیگری نیز مانند عثمانی‌ها و خوارج وجود داشتند که به مرور زمان و به‌خاطر وقوع حوادث مختلف به‌وجود آمدند.

با توجه به تقسیم‌بندی صورت گرفته برای اصحاب سؤال این است که مختصات اندیشگانی و اعتقادی اصحاب سیاسی امیرالمؤمنین چیست؟ اندیشه‌های مشترک اصحاب سیاسی با سایر جریان‌های دیگر از اصحاب چه بوده است؟ و در نهایت اندیشه‌های اختصاصی اصحاب سیاسی چه چیزی می‌باشد؟

پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی به سؤالات مطرح شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند ما را در تحلیل بسیاری از وقایع تاریخی دوران امام علی علیه السلام مانند وقوع جنگ‌های سه‌گانه جمل، صفین و نهروان، سستی نشان دادن یاران آن حضرت از حضور در میادین نبرد، عدم تبعیت از اوامر و نواهی آن حضرت و شکل‌گیری حکمیت و خوارج یاری رساند.

۱. پیشینه پژوهش

با کاوش‌های صورت گرفته درباره پیشینه موضوع مورد نظر این تحقیق روشن می‌گردد که هر چند در مورد تقسیم‌بندی گونه‌های مختلف اصحاب امام علی (ع) پژوهش‌هایی انجام شده؛ اما درباره مختصات اندیشه و اعتقاد اصحاب سیاسی و اشتراکات آن، پژوهش مستقلی انجام نشده است. نزدیک‌ترین تحقیقات به پژوهش پیش‌رو عبارت‌اند:

۱- کتاب «شیعه اعتقادی و شیعه سیاسی در قرن اول و دوم» نوشته حسین براتی، نشر جالیز، چاپ اول، ۱۳۹۸ ش، در این پژوهش مباحث شیعه اعتقادی و شیعه سیاسی تعریف شده است و قیام‌های مؤثر در بحث شیعه سیاسی را در قرن اول و دوم مطرح کرده است.

۲- رساله دکتری «جریان‌شناسی اعتقادی و سیاسی اصحاب امام علی (ع) با محوریت امامت» نوشته طاهره اسلامی‌آبادی، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده شیعه‌شناسی، ۱۳۹۸ ش. در این رساله به‌طور مفصل به جریان‌های مختلف اصحاب امام علی (ع) و شخصیت‌های آن مانند جریان شیعیان اعتقادی، جریان شیعیان سیاسی، جریان معتزله سیاسی و قاعدین (کسانی که با حضرت بیعت نمودند، اما به‌سرعت پیمان خود را شکسته و با ادعای قتل مظلومانه خلیفه سوم، به فکر خون‌خواهی وی برآمدند.) از جریان عثمانی‌ها و جریان خوارج پرداخته است ولی فقط چهارده صفحه را به تبیین شیعیان سیاسی اختصاص داده و به‌صورت خیلی مختصر به برخی از دیدگاه‌های آن‌ها اشاره کرده است.

۳- مقاله «ضرورت بازنگری در نقش اعتزال در حکومت امیرالمؤمنین» نوشته جواد سلیمانی، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، ۱۳۸۳ ش. در این مقاله گروه‌ها و دسته‌های مختلف جامعه سیاسی در حکومت امام علی (ع) به سه جریان عمده موافق، مخالف و بی‌طرف تقسیم شده‌اند؛ به جریان موافق و مخالف به‌طور مختصر و جریان بی‌طرف با ذکر شخصیت‌ها و مطالب به‌صورت مفصل‌تر بیان شده ولی به دیدگاه آن‌ها اشاره نکرده است. پژوهش حاضر ضمن استفاده از کتب و رساله‌های نامبرده در تلاش است تا به دیدگاه‌های اصحاب سیاسی امام علی (ع) به‌طور کامل بپردازد.

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذکر شده، تمرکز بر شیعیان سیاسی و بازخوانی اندیشه‌ها و اعتقادات این جریان مهم و تأثیرگذار در وقایع بعد از شهادت رسول‌الله (ص) تا زمان شهادت حضرت علی (ع) است.

۲. مفهوم‌شناسی اصحاب

اصحاب از واژه صَحِبَ به معنای ملازم و همراه می‌باشد (اصفهانی، ۱۳۸۸ش: ۲۷۵/۱)، اصحاب و یا صحابه به معنای ملازمت، یاری، حفظ و تبعیت است، بنابر دیدگاه خلیل بن احمد و طریحی هر چیزی که ملازم چیز دیگر باشد مصاحب آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۰؛ طریحی، بی تا: ۹۷). زبیدی نیز ملازمت را از معانی اصلی ماده صَحِب دانسته است (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۲/۱) در مورد معنای اصطلاحی اصحاب ائمه باید گفت که: با مراجعه به منابع مختلف خصوصاً کتب رجال تعریف روشنی درباره حدود و ثغور این واژه درباره این الفاظ بیان نشده است؛ اما می‌توان با واکاوی سخنان رجالین این معنا را استخراج کرد.

مرحوم میرداماد معتقد است تعبیر اصحاب سه کاربرد دارد: ۱- اصحاب لقاء؛ این عده، کسانی هستند که تنها رؤیت و ملاقات با شخص دارند. ۲- اصحاب سماع؛ کسانی هستند که از امام به طور مستقیم روایت نقل می‌کنند. ۳- اصحاب اسناد؛ این دسته کسانی هستند که با سند و به واسطه راویان، احادیث را نقل می‌کنند (حسینی استرآبادی، ۱۳۸۰ش: ۱۰۸-۱۱۱).

شیخ طوسی نیز کسانی را که بدون واسطه از ائمه نقل حدیث داشته باشند، صحابه نامیده است. بنابراین معیار شیخ طوسی کسانی همچون عیدالله بن عباس، اشعث بن قیس، احنف بن قیس، عبدالرحمن ابن الغنم، مرداس ابن ابینه، مصقله بن هبیره، النجاشی الحارثی شاعر، نوفل بن فروه الاشجعی و ابو عبدالله البجلی، که به معاویه پیوستند یا خارجی شدند را نیز در زمره اصحاب امام علی علیه السلام به شمار آورده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۷۶، ۵۹، ۵۷). علامه مامقانی نیز اصحاب ائمه را به معنای کسانی دانسته که با آن حضرات معاصر بوده‌اند؛ هرچند از نظر رویکرد با آنان زاویه داشته باشند (مامقانی، ۱۴۲۷ق: ۴۲۸/۱).

۳. تبیین اصحاب سیاسی

با مطالعه و بررسی گزارش‌های تاریخی و روایی پی می‌بریم که اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام از

نظر اندیشه‌های فکری یکسان نبودند؛ بلکه با یکدیگر تفاوت‌های فراوانی داشتند. آقای دکتر رسول جعفریان در کتاب «تاریخ تشیع در ایران» انواع آن را به پنج دسته: عراقی، محبتی، امامی، غالی و معتزلی تقسیم کرده‌اند.

تشیع عراقی: این اصطلاح بر کسانی اطلاق می‌شد که گرایش‌های شیعی داشته، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را نقل کرده و با امویان دشمن بوده‌اند؛ زیرا این قسم از شیعه در جرگه هیچ‌یک از فرق شیعی اعم از امامی، اسماعیلی و زیدی نبوده است (جعفریان، ۱۳۸۸ش: ۲۲). **تشیع محبتی:** کسانی بودند که نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام محبت داشته‌اند؛ به همین جهت عثمانی مذهب‌بان این گرایش را تشیع خوانده‌اند؛ در صورتی که هیچ‌گونه تفضیلی در آن‌ها وجود ندارد. در منابع به صورت فراوان می‌توان تشیع به این معنا را یافت مثل: محمد ابن ادریس شافعی که اشعاری نقل کرده که این گرایش او را تأیید می‌کند (همان: ۲۷). **تشیع اعتقادی:** این قسم کسانی هستند که تابع اهل بیت علیهم‌السلام در تمامی مسائل فقهی، کلامی و اندیشه‌های فکری بوده‌اند (همان: ۲۸).

تشیع غالی: این دسته از شیعیان نسبت به امام علی علیه‌السلام دیدگاه‌های افراطی داشتند که برخی از صفات لاهوتی را به ایشان نسبت می‌دادند (همان: ۵۱).

تشیع معتزلی: این عنوان بر کسانی اطلاق می‌شود که در جنگ‌های سه‌گانه امام علی علیه‌السلام آن حضرت را همراهی نکرده‌اند و اعتقادشان این بود که در دوران فتنه باید از امور کناره گرفت و در خانه نشست. این اعتزال (کناره‌گیری) سیاسی از دوران جنگ جمل آغاز شد و این گروه در تاریخ اسلام به قاعدین مشهور هستند (همان: ۶۲).

منظور از اصحاب سیاسی نیز کسانی هستند که مبنای فکری اصحاب اعتقادی مانند باور به نص در جانشینی، عصمت و علم بی‌حد و حصر، مورد پذیرش آنان نیست و شورا و بیعت را مبنای مشروعیت خلافت می‌دانستند. آنان رهبری امام علی علیه‌السلام به عنوان حاکم و خلیفه مسلمین در مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی را پذیرفته و با آن حضرت بیعت کردند و در جنگ‌های سه‌گانه حضرت را همراهی کردند در حقیقت اصحاب سیاسی کسانی هستند که نه به جهت اعتقاد به امامت امامان شیعه؛ بلکه به دلیل برتری شخصیت انسانی و سیاسی آنان، از حاکمیتشان طرفداری می‌کردند (جاودان، ۱۳۹۳ش: ۳۰).

۴. اندیشه‌های مشترک اصحاب سیاسی با سایر جریان‌های اصحاب

برخی از اندیشه‌های کلامی در میان اصحاب امیرالمؤمنین مشترک است که از این میان می‌توان به مناقب و فضائل حضرت اشاره نمود و این خود نشان از آن دارد که هرچند در میان اصحاب حضرت در برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی و تصمیمات حضرت در این دو حوزه اختلاف نظر وجود دارد؛ اما نقاط اشتراکی نیز می‌توان در باب شخصیت فردی و دینی آن حضرت در اندیشه اصحاب مشاهده نمود.

۴-۱. پذیرش بسیاری از مناقب و فضائل امام علی (ع)

امام علی (ع) یکی از بارزترین شخصیت‌های تاریخ اسلام است که در منابع فریقین برای ایشان فضائل و مناقب فراوانی بیان شده است (نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۳/۳۲۱-۳۲۵؛ حسینی هندی، ۱۲۹۰ش: همه مجلدات) این فضائل و مناقب آن‌قدر روشن و فراوان است که مورد پذیرش همگان می‌باشد باور اصحاب اعتقادی امام علی (ع) درباره این فضائل و مناقب این است که آن حضرت به واسطه این امور شایستگی دارد که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) جانشین ایشان باشد؛ با توجه به این باور بسیاری از اصحاب امام علی (ع) در جریان سقیفه به فضائل و مناقب اشارات فراوانی داشته‌اند در جلسه بیعت عموم مردم با آن حضرت در سال ۳۶ هجری نیز از اصحاب آن حضرت به بیان فضائل و مناقب پرداخته‌اند.

در روز بیعت، مالک‌اشتر گفت: «ای مردم! این جانشین جانشینان و میراث‌دار دانش پیامبران است، بزرگ‌آزمون و نیک‌سیاست است، هیچ‌کس از گذشتگان و آیندگان در سابقه دانش و برتری‌اش تردید ندارد (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ۷۷/۲).

انصار نیز در مسجد به مردم گفتند: شما فضائل علی بن ابی‌طالب (ع) و سابقه و قرابت و منزلتش نزد رسول خدا (ص) را می‌دانید، علم او به حلال و حرام از همه بیشتر است و همه صحابه به او محتاج هستند. اگر کسی را فاضل‌تر و نیکوتر از ایشان می‌شناختیم او را به شما معرفی می‌کردیم (کوفی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۱/۱).

دیدگاه برخی از اصحاب امام نیز پذیرش فضائل و مناقب آن حضرت بود ولی نه از جهت اینکه پیامبر اکرم (ص) آن حضرت را به‌عنوان جانشین خود انتخاب کرده بود؛ بلکه به این خاطر که ایشان شایستگی خلافت کردن بر مسلمانان را داشت و از این جهت است که

فضائل و مناقب ایشان از زبان اصحاب سیاسی نیز بیان شده است. برای نمونه، طلحه در روز بیعت گفت: «ای ابوالحسن تو به سبب فضائل و سابقه و خویشاوندی‌ات با رسول خدا لایق‌تر و شایسته‌تر به امر خلافت هستی» (همان). این گزارش می‌تواند شاهدی بر این باشد که او از جمله اصحاب سیاسی حضرت بوده است.

روزی احنف بن قیس در ماه مبارک رمضان برای افطار نزد معاویه نشسته بود، غذاهای زیاد و فراوانی که در سفره آوردند او را دگرگون کرد، اشکش جاری شد، معاویه از او پرسید علت چیست؟ گفت: به یاد افطاری افتادم که علی مرا در خانه خود دعوت کرده بود، چه ساده بود. معاویه گفت: از علی مگوی که او را مثل و مانند نیست (سراجی، ۱۳۷۶ش: ۳۴۴؛ قمی، ۱۳۶۵ش: ۵۰؛ کاشف الغطاء، بی تا: ۱/۱۹۹).

درباره خالد بن معمر در منابع آمده است که در حضور معاویه به ستایش حضرت علی (ع) پرداخته است. گفته به خدا سوگند او را به خاطر بردباری‌اش هنگام خشم، وفایش به عهد و راستی‌اش هنگام پافشاری و دادگری‌اش در داوری دوست می‌داشتم (ابن عساکر، ۱۴۲۱ق: ۱۵۰/۱۸).

احنف نیز گفته است ما خاندان ابوالحسن را آزموده‌ایم، سیاست اداره مملکت و انگیزه گردآوری ثروت و حيله در جنگ نزد آنان نیافته‌ایم (دینوری، ۱۹۹۰م: ۲۱۱/۱).

امام علی (ع) پس از پیروزی در جنگ جمل، به اشعث بن قیس نامه‌ای نوشتند. بعد از رسیدن نامه حضرت، اشعث برای اهالی خود سخنرانی کرد و گفت: ای مردم! عثمان حکومت آذربایجان را به من سپرده بود و اکنون در دست من است و مردم با علی (ع) بیعت کرده‌اند و اطاعت ما از او واجب است. در رابطه با کارهایی که میان او و طلحه و زبیر و عایشه پیش آمد مطلع هستید. او امانت‌دار این امت است (دینوری، ۱۹۹۰م: ۹۲/۱). یکی از فضائل امام علی (ع) امانت‌داری ایشان است. با توجه به جملات اشعث به وضوح پی می‌بریم که او امام را امانت‌دار امت دانسته و سران جمل را محکوم می‌کند.

۲-۴. پذیرش امام علی (ع) به عنوان رهبر سیاسی

تمامی اهل مدینه جزو اصحاب اعتقادی نبوده ولی با این حال همه منابع متفقند که تمام اهل مدینه به جز تعدادی انگشت‌شمار با آن حضرت بیعت کردند؛ ولی برخی از همین

بیعت کنندگان بعدها جزو ناکثین قرار گرفتند یا حاضر نشدند امام علی (ع) را در جنگ‌ها همراهی کنند به عنوان مثال: عیاض ابن خلیفه الیمانی شاعری است که طرفدار حضرت علی بوده و قصیده‌ای خطاب به شرحبیل می‌سراید و در آن بیعت، امام علی (ع) را مثل دو خلیفه دانسته که باید اطاعت شود و در جنگ با معاندین و مخالفان یاری شود (منقری، ۱۴۰۴ق: ۴۵).

جریر بن عبدالله بجلی هنگامی که حضرت به او نامه فرستاد برای بیعت، پذیرفت و خطاب به مردم گفت: این نامه علی (ع) است. کسی که امین در دنیا و آخرت است و او را می‌شناسید، مهاجرین، انصار و تابعین با وی بیعت کرده‌اند و اگر کار به شورا باشد او از دیگران برتر است. اجتماع کنید متفرق نشوید تا وقتی که استقامت بورزید. همانا علی شما را به حق رهنمون می‌کند (دینوری، ۱۹۹۰م: ۱۱۱/۱).

اما جریر پس از مدتی بیعت شکنی کرد و به معاویه ملحق شد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۳ق: ۳۰۸/۱) اصحاب سیاسی حضرت امام را به عنوان رهبر سیاسی جامعه اسلامی پذیرفتند؛ اما بعدها سر به لجajt زده و بیعت شکنی کردند.

۵. اندیشه‌های اختصاصی اصحاب سیاسی

از ویژگی‌های اختصاصی بعضی از اصحاب سیاسی عدم باور به نص، عصمت و علم مطلق امام و... می‌باشد این ویژگی‌ها در برابر اصحاب اعتقادی آن حضرت است؛ چون اصحاب اعتقادی معتقد به نص در جانشینی، عصمت امام از خطاء و اشتباه و دارابودن علمی فراتر از علم به حلال و حرام هستند چنان که سلمان فارسی حضرت علی را دارای علم به حوادث آینده، موعد مرگ انسان‌ها و فصل الخطاب می‌دانست (طوسی، ۱۳۴۸ش: ۲۴-۲۰).

از توصیف‌های سلمان به دست می‌آید که او علم امام را به امور پنهان باور داشت. عدی بن حاتم، حضرت علی (ع) را در هر کاری دارای حجت و برهان الهی می‌دانست و از مردم درخواست می‌داشت که کار خود را به علی (ع) بسپارند (دینوری، ۱۹۹۰م: ۱۵۱). از این سخنان عدی بن حاتم اعتقاد او به عصمت امام استفاده می‌شود، از این رو در ادامه پژوهش به بررسی اعتقادات خاص اصحاب سیاسی پرداخته شده است.

۵-۱. عدم باور به نص

شاخص‌ترین اندیشه اصحاب سیاسی امام علی علیه السلام، عدم باور به نص است، که با توجه به دقیق شدن در وقایع تاریخی می‌توان به این اندیشه دست یافت. یکی از اصحابی که شواهدی برای شیعه سیاسی بودن او وجود دارد، جریر بن عبدالله می‌باشد. امام علی علیه السلام جریر را به‌عنوان نماینده خود به شام فرستاد تا نامه حضرت را به معاویه برساند. جریر نامه را به شام رسانده و بین ایشان و معاویه گفتگویی صورت گرفت؛ اما ماندن جریر در شام طولانی شد. امیرالمومنین علیه السلام در رابطه با طولانی شدن حضور جریر در شام چنین فرمودند: من برای حضور جریر در شام مدتی معین کردم که تجاوز از آن یا به‌خاطر خیانت و گناهکاری اوست یا به‌خاطر فریب خوردن او به‌وسیله معاویه است (ابن عبدالبر، ۱۴۲۳ق: ۲۵۶/۲). جریر پس از گذشت چندین ماه بازگشت؛ اما اقامت طولانی ایشان منجر به سوءظن مردم نسبت به او شده بود. جریر بعد از اینکه متوجه اوضاع شد به قریسیا فرار کرد و جماعتی از مردم به او ملحق شدند. حضرت نیز خانه او و یکی از همدستانش به نام ثویر بن عامر را آتش زد (منقری، ۱۴۰۴ق: ۵۶/۱).

جریر در خصوص علت فرارش به قریسیا می‌گوید: من در شهری که از عثمان بدگویی می‌کنند باقی نخواهم ماند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۴ق: ۹۳/۴).

با توجه به صحبت‌های امام که فرمودند: اگر جریر از مهلت مشخص شده تجاوز کند یا فریب خورده یا خیانت کار است و باتوجه به فرار جریر به قریسیا و گفته او در رابطه با عثمان، به‌نظر می‌رسد همراهی وی با حضرت و پذیرش حاکمیت وی صرفاً به جهت آن بوده است که امیرالمومنین علیه السلام حاکم وقت بوده و جریر اعتقاد به منصوص بودن امامت ایشان نداشته و حضرت خلیفه‌ای در عرض خلفای سه‌گانه دیگر بوده است و اتهاماتی که در اذهان مردم بوده در رابطه با ایشان صادق است.

۵-۲. عدم باور به علم امام

یکی از نشانه‌های وجود اصحاب سیاسی به معنای اصحابی که صرفاً معترف به شأن سیاسی و حکومتی حضرت بودند، عدم باور آن‌ها به علم الهی حضرت می‌باشد. بارزترین واقعه ظهور و بروز عدم باور برخی از اصحاب امام علی علیه السلام به‌عنوان بیان شده

در جنگ جمل، صفین و خوارج است. برخی از اصحاب امام علی علیه السلام همچون ابوموسی اشعری با اینکه از فرمانداران منصوب از طرف آن حضرت بود ولی حاضر نشد از آن حضرت برای جمع آوری نیرو در جنگ جمل اطاعت کند (دینوری، ۱۹۹۰م: ۹۲) و علاوه بر این از دلباختگان عثمان بود و عمار را به خاطر دشمنی با او توبیخ می کرد (طبری، ۱۴۰۸ق: ۲۶/۳). تحلیل این گزارش نشان دهنده این نکته است که ابوموسی اشعری باور به عصمت و علم آن حضرت نداشت و از این رو حاضر به اطاعت از آن حضرت نبود و در مورد آن حضرت احتمال اشتباه و خطا می داد. بنابراین می توان او را نیز در زمره شیعیان سیاسی به حساب آورد.

۳-۵. عدم باور به عصمت امام

با مطالعه تاریخ و جریانات سیاسی به وضوح دست می یابیم که برخی از اصحاب امام علی علیه السلام اعتقاد به عصمت حضرت از هرگونه خطاء و نسیان نداشتند؛ بلکه از دستورات حضرت می گریختند و امیرالمؤمنین را متهم به انجام گناهان کبیره می کردند!

برای نمونه: گروهی از اصحاب امام علی علیه السلام در جنگ صفین به ریاست اشعث بن قیس حضور داشتند ولی در رخداد حکمیت حاضر نشدند از آن حضرت تبعیت نمایند؛ بلکه از جمله کسانی بودند که پذیرش حکمیت را به آن حضرت تحمیل کردند. این گروه پس از پذیرش حکمیت نیز آن حضرت را متهم به انجام گناه کبیره کرده و از آن حضرت خواستند توبه نماید! (منقری، ۱۴۰۴ق: ۴۸۴) این رخداد در صفین نشان می دهد که بخشی از اصحاب امام علی علیه السلام حاضر شدند پیشنهاد معاویه و عمرو بن عاص درباره فرجام را بپذیرند ولی حاضر نشدند به سخنان امام علی علیه السلام مبنی بر حيله بودن این پیشنهاد را بپذیرند.

این اقدامات اصحاب نشان می دهد که آنان آن حضرت را در بسیاری از امور، حتی در سیاست های جنگی قبول نداشتند؛ چه اینکه بخواهند در مورد ایشان باور به عصمت داشته باشند. متهم نمودن آن حضرت و انجام گناه کبیره و فشار برای وادار نمودن ایشان به توبه نشان می دهد که آنان قائل به عصمت آن حضرت نبودند؛ در حالی که در جنگ صفین و در رخداد حکمیت برخی از اصحاب امام مانند عدی بن حاتم، مالک اشتر و عمرو بن حمق تأکید بر اطاعت از آن حضرت داشتند، همچنین تأکید داشتند که با وجود حضرت،

اظهارنظر دیگران موضوعیتی ندارد (همان: ۴۸۲). بنابر روایت امام باقر علیه السلام در میان اصحاب و یاران چند هزار نفری امام علی علیه السلام در صفین کسانی که حق معرفت و امامت ایشان را بشناسند به ۵۰ نفر هم نمی‌رسید (طوسی، ۱۳۴۸ش: ۶۶).

از مجموعه مطالب بیان‌شده چنین به دست می‌آید که غالب افراد حاضر در جنگ‌های امام علی علیه السلام جایگاه واقعی آن حضرت را درک نکرده و حضرت را به عنوان امام معصوم واجب‌الاطاعه قبول نداشتند؛ بنابر نقل ابن ابی الحدید در میان اصحاب آن حضرت کسانی بودند که آن حضرت را دوست نداشتند و فقط در ظاهر از ایشان اطاعت می‌کردند که به نظر می‌رسد بتوان نام این دسته را اصحاب سیاسی نامید، (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۴ق: ۳۰/۱۱) هرچند در میان اصحاب سیاسی افرادی هم بودند که آن حضرت را دوست داشتند کردوس بن هانی بکری از بزرگان قبیله ربیع، امام را شخصیتی می‌دانست که با آگاهی کامل وارد جنگ شده است و هرکس تسلیم اوامر او باشد پیروز خواهد شد و هرکس از او سرپیچی نماید هلاک خواهد شد (منقری، ۱۴۰۴ق: ۴۸۴).

حریث بن جابر بکری نیز آن حضرت را شخصیتی توصیف کرده که اگر در متن قضایا نبود و هیچ سمتی نداشت، باز در چنین وقت حساسی باید به او مراجعه می‌شد؛ چه اینکه الآن او فرمانده لشکر است، حریث متخلفین از فرمان امام را یا مرتد معرفی کرد یا فریب خورده (همان: ۴۸۵؛ کوفی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۶/۲).

۴-۵. افضلیت و برتری شیخین

بنابر گزارش‌های تاریخی غالب شیعیانی که در کوفه زندگی می‌کردند، خلافت ابوبکر را بر امام علی علیه السلام برتر می‌دانستند؛ هرچند در جنگ‌ها و مسائل سیاسی آن حضرت را همراهی می‌کردند.

ابن شوذب به نقل از لیث گفته: شیعیان اولیه را در کوفه درک کردم که هیچ کس را بر ابوبکر و عمر ترجیح نمی‌دادند (ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۴/۶).

آنان حتی برای بیان وجوب اطاعت از امام علی علیه السلام ایشان را با شیخین مقایسه می‌کردند که باید از او در جنگ با معاندین و مخالفین اطاعت شود (منقری، ۱۴۰۴ق: ۴۶).

شریک بن عبدالله از بزرگان شیعه نیز پیوسته می‌گفت: بهترین این امت ابوبکر و عمر

هستند و اگر کسی غیر از این را بگوید شیعه علی علیه السلام نیست (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ۱/۱۳).
 به گونه ای که در این باره از خود امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است، خلفای قبل از من از روی عمد کارهایی انجام دادند که با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالف بود. آنان پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله را شکسته و سنت او را تغییر دادند؛ سنت هایی که اگر مردم را بر درک آنها وادار نمایم و آنها را با آنچه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود بازگردانم، لشکر از اطراف من پراکنده شده و تنها می مانم و یا با عده کمی از شیعیانم که برتری من و وجوب امامت من از کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول دارند در کنار می مانند. به خدا قسم وقتی به مردم دستور دادم که در ماه رمضان فقط نمازهای واجب را به جماعت بخوانند و آنان را آگاه نمودند که خواندن نماز مستحبی به جماعت بدعت است عده ای از لشکریان که همراه من جنگیده بودند ندا دادند: ای اهل اسلام سنت عمر تغییر داده شده ما را از نماز مستحبی در ماه رمضان باز می دارند، تا آنجا که ترسیدم مبادا لشکر بر من شورش کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۸/۸).

۵-۵. باور به بیعت و شورا

یاری و همراهی آنان با امام علی علیه السلام یک مشایعت سیاسی بود؛ به این معنا که بر بیعت خود با آن حضرت به عنوان خلیفه و حاکم پایبند بودند. این دیدگاه برخلاف دیدگاه شخصیت هایی مانند سلمان، ابوذر، مقداد و عمار بود؛ چون آنان به وصایت، افضلیت و احقیّت امام نسبت به خلافت اعتقاد داشتند و به این مسئله نگاه سیاسی نداشتند (جاودان، ۱۳۹۳ش: ۲).

براساس برخی گزارش های تاریخی شکل گیری شاکله حکومت اسلامی و تعیین حاکم و خلیفه، ذهنیت عمومی جامعه اسلامی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله براساس شورا و بیعت بود؛ هر چند سه خلیفه نخست، هر کدام طبق شیوه هایی خلافت را به دست گرفتند. اولین نمونه واقعی تعیین خلیفه براساس شورا به دست عمر بن خطاب انجام شد. براین اساس، پس از انتخاب امام علی علیه السلام توسط همگان افرادی مانند طلحه و زبیر و سعد بن ابی وقاص در برابر آن حضرت قرار گرفتند و انتخاب آن حضرت را براساس شورا نمی دانستند و در جنگ جمل نیز مدام مطالبه خود را همین امر می دانستند. امام نیز در برابر مخالفان و معاویه

این گونه استدلال می‌کرد که او توسط بیعت انتخاب شده است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۲۹-۲۳۷). یکی از مهم‌ترین شواهد اهمیت شورا در تعیین خلیفه، ماجرای حکمت بود که عمرو بن عاص و ابوموسی اشعری توافق کردند حضرت علی علیه السلام و معاویه را کنار زده و کار را به شورا بسپارند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۲۵۱/۲).

نتیجه‌گیری

از پژوهش انجام شده درباره دیدگاه برخی از اصحاب امام علی علیه السلام به دست می‌آید که اصحاب سیاسی، مبنای فکری اصحاب اعتقادی مانند باور به نص در جانشینی، عصمت و علم بی حد و حصر را قبول نداشته و شورا و بیعت را مبنای مشروعیت خلافت می‌دانستند و آنان رهبری امام علی علیه السلام را به عنوان حاکم مسلمین در مبارزه با ظلم پذیرفتند. افرادی چون عبدالرحمن بن غنم الاشعری الشامی، عیاض بن خلیفه الیمانی، خالد بن معمر بن سلیمان سدوسی، احنف بن قیس، اشعث بن قیس، جریر بن عبدالله البجلی، ابوموسی اشعری، طلحه بن عبیدالله نه به جهت اعتقاد به جانشینی پیامبر؛ بلکه به دلیل برتری شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام از حاکمیت ایشان طرفداری می‌کردند؛ همان‌طوری که از ویژگی‌های این دسته از اصحاب می‌توان به افضلیت و برتری شیخین اشاره نمود. بنابر گزارش‌های تاریخی، اکثر شیعیان که در کوفه زندگی می‌کردند، در امر خلافت، ابوبکر را بر علی علیه السلام برتر می‌دانستند. از ویژگی‌های دیگر فکری اصحاب سیاسی می‌توان به دیدگاه‌های مشترک آن‌ها با سایر اصحاب خصوصاً اصحاب اعتقادی در باب فضائل و مناقب و پذیرش امام به عنوان رهبری سیاسی نیز اشاره نمود.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق، ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۲. ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد بن اعثم، (۱۴۱۲ق)، الفتوح، تحقیق، سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶ق)، منهاج السنه النبویه، تحقیق، محمد رشاد سالم، قم: موسسه قرطبه.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۲۳ق)، الاستیعاب فی معرفته الاصحاب، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن، (۱۴۲۱ق)، تاریخ دمشق، تحقیق، ابی عبدالله علی عاشور الجنوبی، دار احیاء التراث العربی.
۶. براتی، حسین، ۱۳۹۸ش، شیعه اعتقادی و شیعه سیاسی در قرن اول و دوم، تهران: نشر جالیز؛
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقیق، سهیل زکار و ریاض زرکلی، با اشراف مکتب البحوث و الدراسات، بیروت: دارالفکر.
۸. جاودان، محمد، (۱۳۹۳ش)، معنا و مبنای تشیع، کتاب معارفی کلامی شیعه، قم: وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب.
۹. جعفریان، رسول، (۱۳۸۸ش)، تاریخ تشیع در ایران، تهران: نشر علم، سوم.
۱۰. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری، (۱۴۲۲ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق، محمود مطرچی، بیروت: دارالفکر.
۱۱. خلیل فراهیدی، ابن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، تحقیق: مهدی محزومی و ابراهیم سامرای، قم: موسسه دارالهجر.
۱۲. دینوری، ابن قتیبه عبدالله بن مسلم، (۱۹۹۲م)، المعارف، تحقیق، ثروت عکاشه، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق، شعیب ارنوط، بیروت: الرساله.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۸۸ش)، مفردات غریب القرآن، مترجم سید غلامرضا خسروی حسینی، قم: مرتضوی، کتاب الصاد، چهارم.
۱۵. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، موقع الوراق، مکتبه الشامله.
۱۶. سراجی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۶ش)، امام علی علیه السلام خورشید بی غروب، تهران: موسسه انتشارات نبوی.

۱۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، (۱۴۰۱ق)، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: دوم.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه الشامله.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۲ق)، *الفهرست*، تحقیق، جواد قیومی، قم: موسسه نشر الفقاهه.
۲۰. قمی، شیخ عباس، (۱۳۶۵ش)، *الفصول العلیه*، قم: موسسه در راه حق.
۲۱. کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین، (بی تا)، *اصل الشیعه و اصولها*، محقق، علاء آل جعفر، موسسه امام علی علیه السلام.
۲۲. کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ق)، *رجال الکشی*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق، علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، (۱۴۲۶-۱۴۲۷ق)، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، قم: موسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
۲۵. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان، (۱۴۱۳ق)، *الجمال و النصره لسید العترت فی حرب البصره*، تحقیق، سیدعلی میرشریفی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول.
۲۶. منقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ق)، *وقعه صفین*، تحقیق، عبدالسلام محمد هارون، القاهره: الموسسه العربیه الحدیثه.
۲۷. میرداماد (حسینی استرآبادی)، محمد باقر، (۱۳۸۰ش)، *الرواشح السماویه*، تحقیق، غلامحسین قیصریه و نعمه الله الجلیلی، قم: دارالحديث.
۲۸. هندی، میرحامد حسین، (۱۳۸۶ش)، *خلاصه عقبات الانوار*، تلخیص، سید علی میلانی، تهران: انتشارات نباء.
۲۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۴۱۳ق)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت لبنان: دارصادر.